



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا
(۶۰) مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا﴾ (۶۱) سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۶۲)
يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۶۳) إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ
لَهُمْ سَعِيرًا (۶۴) خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۶۵) يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ
وَأَطَعْنَا الرُّسُلَ (۶۶) وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ (۶۷) رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ
لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸)﴾

سنت الهی در مقابله با برهم زندگان آرامش جامعه با شایعه پراکنی

در فضای مدینه در همان جریان جنگ احزاب عده‌ای به شایعه پراکنی و به هم زدن امنیت و آرامش پرداختند یا
درباره مسائل جنگ یا درباره مسائل دیگر مدینه که قرآن در همین سوره فرمود منافقان و ضعیف‌الایمان‌ها و کسانی
که اراجیف یعنی اخبار لرزان و بی پایه پخش می‌کنند اینها باید دست بردارند و گرنه ما شما را علیه اینها بسیج
می‌کنیم ظاهر این است که اینها دیگر دست برداشتند برای اینکه تهدید خدا این بود که فرمود: ﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا
أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا﴾ اگر اینها دست برنداشته بودند وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دستور الهی
عمل می‌کرد يك نزاع و درگیری دیگری در داخله مدینه اتفاق می‌افتاد و قرآن آن را شرح می‌داد چون هیچ
خبری از جریان بعد از تهدید نیست معلوم می‌شود اینها فروکش کردند و آرام شدند و این هم سنت الهی است

ممکن است خدای سبحان از معاصی شخصی بگذرد اما از معاصی که مربوط به نظام است و کشور اسلامی است و جامعه اسلامی و امت اسلامی است نمی‌گذرد فرمود این سنت الهی است.

تفاوت صلوات خدا بر انبیا و مؤمنین

چند مطلب مربوط به سؤالات بحث‌های قبل بود یکی اینکه این درود و صلواتی که ذات اقدس الهی می‌فرستد هم بر انبیا و مرسلین و اولیای الهی است هم بر مؤمنین، سرّش این است که رحمت خدا درجاتی دارد انبیا درجاتی دارند مرسلین درجاتی دارند مؤمنین هم درجاتی دارند درجات انبیا را آیه ﴿لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ﴾^۱ بیان کرده درجات مرسلین را ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾^۲ بیان کرده درجات مؤمنین را ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۳ بیان کرده اگر انبیا درجاتی دارند مرسلین درجاتی دارند اولیا درجاتی دارند مؤمنین درجاتی دارند و رحمت خاصّه الهی هم درجاتی دارد اینکه در همین سوره مبارکه «احزاب» فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ﴾^۴ و بعد درباره وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ﴾ معلوم می‌شود که تسلیه الهی درجاتی دارد بخشی از آن شامل فرشته‌ها، شامل انبیا و مرسلین می‌شود آن بخش‌های کمتر و ضعیف‌ترش شامل مؤمنین خواهد بود.

دلالت آیه و روایت بر وجوب صلوات بر پیامبر و آل او (علیهم السلام)

اما سرّ تسلیه ما به وجود مبارك حضرت هنگام شنیدن آن آیه برای اینکه در خود این آیه امر می‌کند وقتی این آیه به ما امر می‌کند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ﴾^۵ خب ما امتثال می‌کنیم این نسبت به آن، روایات هم فراوان هست فرمود بخیل کسی است که نام من برده بشود و او بر ما درود نفرستد^۵ این معلوم می‌شود که دستورات خاص

۱. سوره اسراء، آیه ۵۵.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۳.

۳. سوره مجادله، آیه ۱۱.

۴. سوره احزاب، آیه ۴۳.

۵. معانی الأخبار، ص ۲۴۶.

است راجع به اهل بیت (علیهم السلام) هم از طریق اهل سنت روایات معتبر وجود دارد هم از طریق ما به تعبیر سیدنا الاستاد روایات فوق حدّ احصاء است که شما صلوات بَترا و ابتر نفرستید^۶ صلواتتان باید ثمربخش باشد کوثر باشد نه ابتر دیگر نگویند «اللهم صلّ علی محمد» بلکه آتش را حتماً اضافه کنید این طبق روایاتی است که به ما رسیده.^۷

روایات تعیین‌کننده مقدار و حکم صلوات بر پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)

پرسش: ... پاسخ: سه بار که خب نه وضعش مشخص نیست چون ذکر الله است در حقیقت چه سه بار چه بیشتر بعضی از موارد در شب و روز دارد که هزار بار ملاحظه فرمودید که گفتند در روز جمعه هزار بار صلوات بفرستید^۸ حالا در بعضی از موارد مشخص است که چقدر صلوات بفرستند اگر آن هزار ناظر به کثرت باشد که رقم خاصی نیست اگر ناظر به کثرت نباشد عدد مخصوص باشد خب روز جمعه هزار بار.

پرسش: ... پاسخ: بالأخره امر، رجحان را می‌رساند در خصوص نماز گفتند واجب است در غیر نماز ظاهراً فتوا به وجوب نمی‌دهند تنها در نماز است که تصلیه بر وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) واجب است.

ممنوعیت نقل حدیث علت فقدان روایات در تفسیر

پرسش: ... پاسخ: بله خب، چون حضرت دستور داده بود بگویند، در بحث دیروز هم اشاره شد که ما مشکل جدی مان این دوران فترت يك قرن است بارها به عرضتان رسید که زعیم حوزه علمیه مکه عبدالله بن عباس بود زعیم حوزه علمیه مدینه ابی بن کعب بود و زعیم حوزه علمیه عراق عبدالله بن مسعود بود در چند روز قبل هم ملاحظه فرمودید مرحوم شیخ طوسی وقتی می‌خواست حرف قدما را نقل کند حرف ابن عباس را نقل کرد و حرف ابی بن کعب را! سرّش آن است که در آن قرن اول نقل حدیث ممنوع بود لذا دست ما خالی است خب قرآن می‌دانید

۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۴.

۷. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۵.

۸. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۶.

يك قانون اساسی است کلیات است، اگر اهل بیت و روایات نباشند، خصوصیات را مشخص نمی‌کند، اگر حدیث در آن قرن اول ممنوع نبود و باز بود ما خیلی وضع بهتری داشتیم الآن دست ما کوتاه است به برکت امام باقر و امام صادق (سلام الله علیهما) مقداری دست ما باز شد بالأخره شما می‌بینید وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۳ سال درس رسمی قرآن داشت خدا چندین بار فرمود: ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^۹ خب پیغمبر چه فرمود، فقط تلاوت کرد ﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ﴾^{۱۰} تازه آن هم با اختلاف قرائات به ما برسد این ﴿يُعَلِّمُهُمُ﴾ کجاست هم در وصف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ هم بالصراحه به آن حضرت فرمود: ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^{۱۱} خب ۲۳ سال حضرت حوزه علمیه رسمی تدریس قرآن داشت در کنار تدریس قرآن، فقه بود، اخلاق بود، حقوق بود اما درس رسمی قرآن بود خبری از آن عصر نیست این است که دست ما کوتاه است و اگر وجود مبارك امام باقر و امام صادق (سلام الله علیهما) نبودند بسیاری از مسائل برای ما قابل حل نبود در اینکه وظیفه رسمی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعلیم کتاب و تزکیه بود اینکه حرفی در آن نیست ما چند روایت از پیامبر در تفسیر آیات داریم شما این ده جلد تبیان را ورق بزنید ببینید چند روایت نبوی درباره تفسیر قرآن داریم يك قرن قبل از آن تفسیر طبری را هم بررسی کنید این یا از سدی است یا از قتاده است یا از مجاهد است که بعد می‌رسد به ابن عباس یا ابی بن کعب یا عبدالله بن مسعود مشکل جدی ما این است.

نهی پیامبر بر ابتر فرستادن صلوات

پرسش:.... پاسخ: فرق نمی‌کرد آن‌که قرآن ناطق است با همین یکی است الآن مثلاً نماز صبح دو رکعت است ظهر چهار رکعت است عصر چهار رکعت است مگر اینها در قرآن آمده فرمود: ﴿لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان کرده.

۹. سوره بقره، آیه ۱۲۹؛ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲.

۱۰. سوره بقره، آیه ۱۲۹؛ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲.

۱۱. سوره نحل، آیه ۴۴.

پرسش:....پاسخ: شافعی چرا، دیگران نه، شافعی می گوید صلوات بر آل هم باشد آن شعر معروف^{۱۲} هم همین است. بنابراین اگر رحمت خاصه درجاتی دارد انبیا درجاتی دارند مرسلین درجاتی دارند اولیا درجاتی دارند مؤمنین درجاتی دارند این آیه ۴۳ که فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ﴾ با آیه ای که فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾^{۱۳} اینها درجات مختلف صلوات است که قابل توجیه است.

وجود مبارك پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) واسطه تام فیض بین عالی و دانی

مطلب بعدی آن است که هیچ دانی، واسطه و رابط بین عالی و اعلا نخواهد بود این يك مطلب عقلی است غیر قابل تخصیص اما اینکه گاهی فرشته ها وحی می آورند چون وحی هم مراتبی دارد آن قلّه وحی برای جایی است که ﴿دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾^{۱۴} فرشته ها در آنجا حتی جبرئیل (سلام الله علیه) می گویند «لو دنوت انملة لاحتقرت»^{۱۵} این روایت نورانی رؤیت که قبلاً هم خوانده شد مرحوم صدوق (رضوان الله علیه) در کتاب شریف توحید نقل کرد این بود که ابی بصیر نابینا از وجود مبارك امام صادق (سلام الله علیه) سؤال می کند آیا خدا را در قیامت می شود دید؟ فرمود بله در قیامت می شود دید، قبل از قیامت هم دیدند فرمود چه وقت؟ فرمود در مسئله ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾^{۱۶} بعد به ابی بصیر کور می گوید مگر الآن خدا را نمی بینی - خب این عنایت حجّت بالغه الهی است که قلب ابی بصیر را روشن می کند با «تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» درك می کند - فرمود مگر تو الآن خدا را نمی بینی عرض کرد من این حدیث را از شما نقل بکنم فرمود نه، شما برای چه کسی می خواهی نقل بکنی^{۱۷} خلاصه اش این است که در جمع علما و فضلا نقل می کنی آنها یا می فهمند معنایش چیست یا اگر نمی فهمند

۱۲. الغدير، ج ۲، ص ۳۰۳.

۱۳. سورة احزاب، آیه ۵۶.

۱۴. سورة نجم، آیات ۸ و ۹.

۱۵. المناقب، ج ۱، ص ۱۷۹.

۱۶. سورة اعراف، آیه ۱۷۲.

۱۷. التوحيد (شیخ صدوق)، ص ۱۱۷.

ساکت اند منشأ فتنه نیستند ولی برای توده مردم اگر نقل بکنی مشکل ایجاد می‌کند آنها یا به همین معنای ظاهری حمل می‌کنند یا ما را مع ذلك تخطئه می‌کنند مرحوم صدوق هم بعد از نقل این روایت در پایان این بحث دارد که اخبار رؤیت «عندی صحیحة» منتها من خیلی از آنها را نقل نکردم^{۱۸} این مسئله لقاءالله است که در مباحث مخصوص به مشاهده خدا با دل که «لا تدرکه العیون بمشاهدة العیان و لكن تدرکه القلوب بحقائق الإیمان»^{۱۹} نقل می‌کند.

آن قسمت‌ها که ﴿دَنَا فَتَدَلَّى﴾ * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ آنجا جای فرشته‌ها نیست مراحل میانی وحی را جبرئیل می‌تواند بیاورد که ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ * عَلَى قَلْبِكَ﴾^{۲۰} پایین‌تر از آن را فرشته‌هایی که زیرمجموعه جبرئیل (علیهم السلام) هستند ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ نقل می‌کنند وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن ﴿دَنَا فَتَدَلَّى﴾ گرفته که هیچ کسی بین او و خدا نیست تا این مراحل نازل همه را از خدای سبحان دریافت می‌کند منتها در بعضی از مراتب، واسطه حضور ندارند مثل آن ﴿دَنَا فَتَدَلَّى﴾ برخی از مراحل، جبرئیل حضور دارد برخی از مراحل نازل هم ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ حضور دارند.

چگونگی حالات پیامبر در دریافت وحی بدون واسطه

راوی از وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) سؤال می‌کند که اینکه گفتند وحی بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل می‌شد غشیه، مدهوشی به حضرت دست می‌داد از حال می‌رفت چه بود فرمود: «ذَاكَ إِذَا لَمْ يَكُن بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَحَدٌ ذَاكَ إِذَا تَجَلَّى اللَّهُ لَهُ»^{۲۱} فرمود آنجا وحی بلا واسطه است نه آن وحی‌ای که جبرئیل می‌آورد آنجایی که بین پیغمبر و خدا احدی واسطه و رابط نیست آن مرحله وقتی پیامبر می‌خواهد وحی را تحویل بگیرد نمی‌تواند تحمل بکند مدهوش می‌شود و آن حالت به حضرت دست می‌دهد و گرنه مراحل بعدی را که فرشته‌ها

۱۸. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۱۱۹.

۱۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۹.

۲۰. سوره شعراء، آیات ۱۹۳ و ۱۹۴.

۲۱. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۱۱۵.

می آورند مراحل نازله آنها را کاملاً تحمل می کنند بنابراین آن قلّه وحی، احدی بین حضرت و ذات اقدس الهی واسطه نیست اما مراحل میانی چرا، آن مراحل میانی را خود حضرت اشراف دارد بنابراین هم صلوات، مراحلی دارد هم مؤمنین و اولیا و مرسلین مراتبی دارند.

ما هم که يك بار صلوات بفرستیم البته کافی است مگر اینکه نصّ خاص داشته باشیم.

بحثی پیرامون زمان و مکان در برپایی قیامت

اما درباره این جمله ای که فرمود: ﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ﴾ برای اینکه وقتی سخن از تهدید قیامت و امثال قیامت بود اینها سؤال می کردند قیامت چه وقت قیام می کند مستحضرید که این چه وقت و کجا هم در حدوث عالم مطرح است هم در انقراض دنیا البته در انقراض دنیا يك مقدار آسان تر مطرح است درباره حدوث عالم می گویند عالم چه وقت حادث شده خبر می دانید چه وقت سؤال از زمان است «کجا» سؤال از مکان است در عدم محض نه زمانی بود نه مکانی با ایجاد يك ماده یا جسم متحرّک، زمان و مکان پیدا می شود این جسم که پیدا شد خبر بُعدی دارد این مکان پیدا شده چون حرکت می کند چه وقت و زمان پیدا شده اگر این جسم خلق نشود عدم محض باشد فاصله ای بین عالم و الله نیست حالا کسی بگوید که خدا بود و هیچ چیزی نبود بعد خلق شد این بعد معنا ندارد در عدم محض نه قبل معنا دارد نه بعد معنا دارد نه مع معنا دارد نمی شود گفت که قبلاً نبود بعداً پیدا شد ما قبلی نداریم نه قبلِ رُتبی داریم چون بالأخره رتبه، امر وجودی است نه قبل زمانی داریم بالأخره زمان، امر وجودی است مگر قبل ذاتی یعنی اشیا ذاتاً معدوم بودند و بعد موجود شدند اگر کسی توانست در عدم محض بُعدی فرض بکند «فله ما قال» هر چه می خواهد بگوید، بگوید آزاد است بگوید سالیان متمادی یا مراحل بعدی او ما شئت فسمّه فاصله شد بعد جهان خلق شد بنابراین چه وقت و کجا با پیدایش جسم متحرّک پدید می آید چه وقت یعنی زمان از حرکت این جسم پدید می آید کجا یعنی بُعد، روی همین جسم پدید می آید اما درباره انقراض عالم تا حدودی می شود تصور کرد که این عالم تا چه وقت ادامه دارد و چه وقت منقرض می شود اینها سؤال کردند قیامت

چه وقت قیام می‌کند فرمود علمش نزد خدای سبحان است (يك) شاید به نزدیکی هم قیامت قیام بکند (دو) اگر قیامت صغرا باشد که خیلی‌ها این قیامت صغرایشان قائم شده است «من مات فقد قامت قیامته»^{۲۲} بعضی‌ها هم در آستانه وقوع‌اند اما قیامت کبرا واقعاً وضعش روشن نیست که چه وقت قیامت قیام می‌کند لکن ذات اقدس الهی در بحث‌های بدن ما فرمود ما شما را از خاک خلق کردیم (يك) دوباره به خاک برمی‌گردانیم (دو) ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ﴾ بار سوم شما را از همین خاک برمی‌گردانیم اعاده می‌کنیم (سه) ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ این روشن است.

آسان بودن اثبات معاد روحانی

در مسئله معاد روحانی طرحش خیلی آسان است اما در معاد جسمانی این آیات باید تبیین بشود در اینکه ظاهر این آیه سوره مبارکه «طه» این است که ما شما را از خاک خلق کردیم دوباره به خاک برمی‌گردانیم بار سوم از خاک احیایتان می‌کنیم این روشن و شفاف است دیگر در این جهت هیچ مشکلی نیست و ابهامی هم نیست در سوره مبارکه «طه» آیه ۵۵ این چنین فرمود: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ یعنی ما بدن شما را از زمین خلق کردیم دوباره شما را به زمین برمی‌گردانیم بار سوم شما را از زمین احیا می‌کنیم این چیز شفاف و روشنی است پایان سوره مبارکه «یس» هم دارد ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾ کسی استخوان سری را گرفته بود از قبرستان مکه گفته بود چه کسی این را زنده می‌کند فرمود آن کسی که اول این را آفریده دوباره زنده می‌کند چیزی نیست اما این يك طایفه از آیات است طایفه دیگر این است که همیشه تعبیر به مثل دارد چون عین با وحدت شخصی محفوظ است الآن مثلاً الف خود الف است اما اگر الف معدوم شد دوباره موجود شد آن دومی مثل اولی است چون دوتا است دوتا که نمی‌شود عین هم باشند عین هم یعنی واحد، دوتا هستند یعنی غیر هم‌اند لذا دومی الا ولا بد مثل اولی است اگر عین اولی باشد

باید یکی باشد نه دوتا لازمه‌اش این است که ما مبدأ و معاد نداشته باشیم فقط یکی داشته باشیم لذا تعبیر قرآن در قابل موارد «مثل» است که ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ * الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقَدُونَ * أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ﴾^{۲۳} حتماً الاً ولا بد دومی مثل اولی است.

خداوند، آفریننده انسان در دنیا و آخرت

در سوره مبارکه «واقع» هم دارد که اینها می‌گویند وضع چطوری است باید بدانند که ما مسبوق نیستیم ما همیشه سابقیم ﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾^{۲۴} ما مرگ را بین شما تقدیر کردیم و شما بدانید خلقت، کار شما نیست کار پدر و مادر نیست کار پدر و مادر مناسب است که «نقل المني من موضع الى موضع آخر» است ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ * أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾^{۲۵} کار پدر نقل این ماء است «من موضع الى موضع آخر» که از این نقل ماء به امعاء یاد می‌شود فرمود: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ اما ﴿أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ ماییم که این ﴿مَنْ يُمْنَى﴾^{۲۶} را به صورت این انسان در آوردیم و در می‌آوریم بنابراین از پدر و مادر کاری غیر از امعاء ساخته نیست آنکه آفرینش است به عهده خدای سبحان است. فرمود ما شما را از خاک خلق کردیم دوباره به خاک برمی‌گردانیم بار سوم از خاک احیا می‌کنیم تا اینجا خیلی شفاف و روشن است.

بررسی زمانی و کیفیت حشر انسان‌ها با توجه به تبدل زمین

اما در آیه ۴۸ سوره مبارکه «ابراهیم» به این صورت فرمود: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾ وقتی قیامت بخواهد قیام بکند زمین تبدیل می‌شود به زمین دیگر آسمان تبدیل می‌شود به آسمان دیگر ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾ یعنی «تبدل السماوات غير السماوات» اینکه فرمود ما شما را از زمین برمی‌گردانیم این

۲۳. سوره یس، آیات ۷۸ - ۸۱.

۲۴. سوره واقع، آیه ۶۰.

۲۵. سوره واقع، آیات ۵۸ و ۵۹.

۲۶. سوره قیامت، آیه ۳۷.

سه حالت دارد قبل از اینکه وضع زمین و آسمان برگردد همه ما را زنده می‌کند همه ما یعنی اولین و آخرین مطابق آنچه در سوره مبارکه «واقعہ» دارد ﴿يَقُولُونَ إِذَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ * قُلْ إِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^{۲۷} حالا اولین و آخرین رقمش معلوم نیست که میلیاردها میلیاردند ما چه می‌دانیم چقدر بشر آمدند و رفتند ولی همه را در حشر اکبر زنده می‌کند اینکه در سوره مبارکه «واقعہ» فرمود ما همه را زنده می‌کنیم اینکه در سوره «ابراہیم» فرمود ما کل نظام را به هم می‌زنیم اینها باید بررسی بشود که آیا خدا اول، اولین و آخرین را زنده می‌کند بعد این نظام را به هم می‌زند خب اولین و آخرین که روی کره زمین جا نمی‌گیرد آیا اول کره زمین را عوض می‌کند آسمان‌ها و زمین را عوض می‌کند بعد اولین و آخرین را زنده می‌کند خب در این وسط‌ها اینهایی که در مجموعه آسمان و زمین هستند در خاک‌اند بالأخره اینها هم تبدیل شدند تبدیل شدن یعنی چه يك روایت نورانی از امام سجاد(سلام الله عليه) هست که زمین تبدیل می‌شود «بَارِضٍ لَمْ تَكْتَسِبْ عَلَيْهَا الذُّنُوبَ»^{۲۸} ما زمین را تبدیل می‌کنیم به زمینی که روی آن گناه نشده در بعضی از روایات دارد که زمین را تبدیل می‌کنیم به خُبزِ نَقِيّ برای اینکه مردم در آن روز بالأخره احتیاج به غذا دارند غذایشان این است که این زمین تبدیل می‌شود به نان که کل این زمین قابل خوردن است^{۲۹} اینها چیزهایی است که صَعْب مستصعب است تا روی آن کار نشود جدیّت نشود تلاش و کوشش نشود نه با بنای عقلا قابل حل است نه با فهم لغوی قابل حل است زمین تبدیل می‌شود به خُبزِ نَقِيّ یعنی چه که مردم از همین خبز یعنی نان گندمی بخورند تا مسائل حساب برداشته بشود از احادیث صعب مستصعب است البته عقیده ما غیر از این نخواهد بود که هر چه قرآن و اهل بیت فرمودند حق است و لاغیر اما تفصیل مسئله که چگونه است چطور است گرچه تفصیل و علم تفصیلی و تحقیقی برای ما واجب نیست ولی اگر خواستیم تحقیق بکنیم راهش باز است این سؤال‌ها وقتی برای ما

۲۷. سوره واقعہ، آیات ۴۷ - ۵۰.

۲۸. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۲۹. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

مطرح می‌شود قهراً به سراغش خواهیم رفت تا آنجا که فهم ما هست از روایات هم کمک گرفتیم برای ما معتبر است بقیه را خب نفهمیدیم علمش را به اهلش واگذار می‌کنیم ولی این سؤالات هست که ما را چه وقت زنده می‌کنند آیا قبل از تغییر نظام یا هم‌زمان با تغییر نظام یا بعد از تغییر نظام، سه حالت دارد هر حالتی هم حکم خاص خودش را دارد ولی

کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست***این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید^{۳۰}

ما نمی‌دانیم حالا کجا ولی این قدر هست که بانگ زنگ این قافله می‌آید اینها یکی پس از دیگری دارند می‌روند اما کجا می‌روند هر روز «بلند بگو لا اله الا الله» هست آنها برای ما فقط اثر علمی دارد اثر عملی ندارد که ما حالا بدانیم انسان را هم‌زمان با تغییر آسمان و زمین زنده می‌کنند یا قبل از تغییر، زنده می‌کنند یا بعد از تغییر زنده می‌کنند احکام این هم‌زمانی یا قبل و بعد چیست اینها فقط آثار علمی دارد.

بی‌مورد بودن سؤال از زمان برپایی قیامت

آنکه برای همه ما اثر عملی دارد همین است که فرمود: ﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ﴾ فرمود شما یا نزدیک یا دور بالأخره تمام کارهایتان را باید جواب بدهید آنکه برای ما اثر عملی دارد همین است ﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ علمش نزد ذات اقدس الهی است ﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾ شاید نزدیک باشد اگر قیامت صغراست که خب خیلی نزدیک است یعنی مرگ که آمد قیامت صغراست اگر قیامت کبرا هم باشد که ما علمش را نداریم.

ادله قرآنی و روایی بر آماده بودن بهشت و جهنم

در این قسمت‌ها فرمود حالا که این چنین است بدان که ما برای عده‌ای عذاب را آماده کرده‌ایم تعبیری که مرحوم شیخ طوسی (رضوان الله علیه) دارند^{۳۱} این قابل نقد است مرحوم شیخ طوسی (رضوان الله علیه) از این

۳۰. دیوان حافظ، اشعار منتسب، شماره ۱۱.

عبارت ﴿أَعَدَّ﴾ می‌خواهند تقریباً صرف نظر کنند عبارت این است که خدای سبحان کافرین را لعن کرده و برای اینها آن آتش افروخته را آماده کرده است تعبیر ﴿أَعَدَّ﴾ در اینجا هست تعبیر ﴿أَعَدَّتْ﴾ هست چه اینکه درباره بهشت دارد ﴿أُزِلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ آماده کردیم. در بیانات نورانی حضرت امام رضا (سلام الله علیه) هست که جَنَّت و نار مخلوق است و از ما نیست کسی که بگوید جَنَّت و نار الآن خلق نشده بعداً خلق می‌شود^{۳۲} اینکه وجود مبارك حضرت امیر فرمود من بهشت را می‌بینم جهنم را می‌بینم در همان خطبه متقیان فرمود این مردان باتقوا «فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»^{۳۳} همین است یا آن حارثه بن مالك که طبق نقل مرحوم کلینی به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد «كأني انظر الى عرش ربِّي»^{۳۴} گویا بهشت را می‌بینم جهنم را می‌بینم بهشت موجود است جهنم موجود است و مانند آن دیگر وجهی ندارد که ما این ﴿أَعَدَّ﴾ یا ﴿أَعَدَّتْ﴾ یا مانند اینها را توجیه بکنیم.

دیدگاه شیخ طوسی بر عدم آماده بودن خارجی بهشت و جهنم

این بیان مرحوم شیخ طوسی را حالا عرض می‌کنیم ظاهر آیه که فرمود: ﴿أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا﴾ یعنی آماده کردیم یعنی الآن موجود است ایشان می‌فرمایند ممکن است که حُكماً آماده باشد نه خارجاً اگر چیزی یقیناً حاصل است این چیزی که یقیناً حاصل است مثلاً مستقبل محقق الوقوع در حکم ماضی است این چون یقیناً بعداً آماده می‌شود گویا الآن آمده است خب ما دو قانون اصولی داریم یکی اینکه اصل در استعمال، حقیقت است یکی اینکه استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است این دو قانون اصولی که معارض هم نیستند آنجا که می‌گویند اصل در استعمال، حقیقت است یعنی اگر لفظی يك معنای حقیقی داشت يك معنای مجازی داشت متکلم این لفظ را به کار برد قرینه‌ای در کار نبود خب ما بر حقیقت حمل می‌کنیم اصالة الحقیقه اصلاً جایش همین جاست اصالة الحقیقه جایش

۳۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۳.

۳۲. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۱۱۸.

۳۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۳۴. الکافی، ج ۲، ص ۵۳ و ۵۴.

آنجایی است که لفظی معنای حقیقی دارد (يك) معنای مجازی داد (دو) متکلم این لفظ را استعمال کرد (سه) قرینه‌ای بر تعیین نیاورد (چهار) مطابق اصالةالحقیقه ما لفظ را بر معنای حقیقی حمل می‌کنیم (پنج) اما آنجایی که می‌گویند استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است برای این است که ما می‌دانیم متکلم این لفظ را در این معنا استعمال کرد ما همین که می‌دانیم متکلم این لفظ را در این معنا استعمال کرد حکم بکنیم که معنا، معنای حقیقی لفظ است؟ نه، استعمال اعم از حقیقت و مجاز است این قاعده که استعمال اعم از حقیقت و مجاز است يك جا و موطن خاصی دارد آن اصالةالحقیقه جای خاصی دارد حالا سخن مرحوم شیخ را عرض می‌کنیم این ﴿أَعَدَّ﴾ که استعمال کرده شما به چه دلیل بر معنی مجازی حمل می‌کنید ﴿أَعَدَّ﴾ یعنی «أَعَدَّ» یعنی آماده کرد ﴿أَزَلَفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^{۳۵} همین است ﴿أَعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾^{۳۶} همین است یعنی آماده شد خب اگر آماده شد لفظ يك معنای حقیقی دارد يك معنای مجازی دارد قرینه هم در کار نیست باید بر معنای حقیقی حمل کرد ما که نمی‌دانیم لفظ را ایشان به منزله آماده بودن حمل کردند تا بگوییم این به معنی مجازی است ﴿أَعَدَّ﴾ یعنی «أَعَدَّ» یعنی آماده کرده است.

ناقلمی دیدگاه شیخ طوسی و نمود خارجی جهنم با ذکر خاطره

بنابراین آنها که گفتند ما جهنم را می‌بینیم در خطبه نورانی حضرت امیر درباره اوصاف متّقیان هم‌هاش حمل بر حقیقت می‌شود این آیاتی که دارد ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾^{۳۷} حمل بر حقیقت می‌شود یعنی اگر اهل علم‌الیقین باشی هم‌اکنون که اینجا نشستی جهنم را می‌بینی چون بعد از مرگ که خب کفار هم می‌بینند می‌گویند ﴿رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَرَبَّنَا سَمِعْنَا﴾^{۳۸} اما اینجا دارد ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾ این قصه را هم ما بارها به عرضتان رسیدیم سالی ما در مدینه در عمره مفرده در برابر ضریح مطهر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودم دیدم يك مرد میانسالی تقریباً نزدیک چهل سال بود آمد نشست و گفت حاج آقا می‌توانم چیزی

۳۵. سوره شعراء، آیه ۹۰؛ سوره ق، آیه ۳۱.

۳۶. سوره بقره، آیه ۲۴؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۱.

۳۷. سوره تکوین، آیات ۵ و ۶.

۳۸. سوره سجده، آیه ۱۲.

بپرسم گفتم پیرس، گفت ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾ معنایش چیست؟ ما هم توضیح کوتاهی در موردش دادیم دیدم می‌گوید من آمبویه فروشم آن روزها رسم بود که چند قالب یخ را بین الطلوعین جلوی این مغازه‌های آمبویه‌فروشی و امثال آن می‌آوردند گفت من صبح که نماز خواندم آمدم جلوی مغازه که، مغازه‌ام را باز کنم دیدم از این قالب‌های یخی که جلوی مغازه من است آتش شعله می‌کشد هر چه می‌بینم، می‌بینم که این شعله‌های آتش است که از این قالب‌های یخ در می‌آید فهمیدم در مال ما حرامی راه پیدا کرده رفتم از بعضی از علمای شهرم - اهل شیراز بود - سؤال کردم که این چیست که من می‌بینم گفت که شما چطور آمبویه می‌فروشی گفت ما به این مشتری‌ها می‌گوییم مثلاً این يك لیوان آمبویه صد تومان این لیوان آمبویه به اندازه‌ای که ما همین آمبویه را در آن بریزیم چون گرم است خوشمزه نیست يك قالب یخ هم در آن می‌گذاریم خب آن يك قالب یخ که به اندازه آمبویه نمی‌ارزد گفت آتش همین است همین حرام به آن صورت در آمد گفتم پس ما چه کار کنیم گفت شما دو لیوان تهیه کنید يك لیوان بزرگ و يك لیوان معمولی، قراردادتان با همین لیوان معمولی باشد یعنی وقتی می‌گویید يك لیوان آمبویه صد تومان با همین لیوان باشد آن قالب یخی که می‌خواهی بگذاری که قیمتش يك قران است آن را در لیوان بزرگ بگذار که این آمبویه در آن لیوان بزرگ باشد خنك و گوارا باشد به او بدهی، گفت ما این کار را کردیم بعد دیگر آتش را ندیدیم آتش یعنی همین مال حرام این در سوره مبارکه «نساء» بخش گذشت فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾^{۳۹} این نار برای دنیا است آن سین ﴿وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾^{۴۰} که پشت سرش است بله بعداً هم يك عذاب دیگر است اما فعلاً دارد آتش می‌خورد منتها متوجه نیست غرض این است که هیچ دلیلی ما نداریم که این ﴿أَعْدَاءُ﴾ که فعل ماضی است ما حمل بکنیم که یعنی بعداً این درست نیست و این فرمایش ایشان تام نیست.

۳۹. سوره نساء، آیه ۱۰.

۴۰. سوره نساء، آیه ۱۰.

مطلب بعدی آن است که ﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * يَوْمَ تُقَلَّبُ﴾ انسان از سه راه می‌تواند مشکلش را حل کند یا تمام کارها را دیگری به عهده بگیرد که انسان تحت ولایت او باشد مثل كودك خردسالی که خودش مشکل‌گشا نیست ولیّ او کارها را انجام می‌دهد دوم این است که بخشی از کارها را خودش انجام بدهد بخشی از کارها را دیگران به او کمک می‌رسانند می‌شود نصرت، نصرت یعنی نصرت، ولایت یعنی ولایت که کاملاً مرزها از هم جداست قسم سوم این است که نه ولیّ دارد نه ناصر ولیّ دستش را می‌آورد جلو که اگر تیری می‌آید سنگی می‌آید به صورتش نخورد فرمود این سومی هم نیست ما مستقیماً با صورت او کار داریم ﴿يَوْمَ تُقَلَّبُ وَجُوهُهُمْ﴾ این با چه چیزی می‌خواهد جلوی صورتش را بگیرد دستی در کار نیست دست آنجا قدرت ندارد پس هیچ کدام از راه‌های سه‌گانه برای نجات او یا تخفیف عذاب وجود ندارد می‌ماند راه چهارم، راه چهارم يك راه روانی است این می‌خواهد عذرتراشی کند بگوید خدایا دیگران باعث شدند می‌فرمایند دیگران هم در جهنم‌اند ما آنها را که رها نکردیم می‌گویند نه، دیگران را دو برابر عذاب بکن برای اینکه آنها باعث شدند می‌فرماید نه، تو هم دوتا گناه کردی این ﴿رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ﴾ برای همین است پس ﴿لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا﴾ (يك) ﴿وَلَا نَصِيرًا﴾ (دو) ﴿يَوْمَ تُقَلَّبُ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾ (سه) پس هیچ راهی برای تخفیف نیست چهارمی ﴿يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ می‌گویند ای کاش ما خب آرزوست دیگر این آرزو آن روز اثر ندارد ﴿يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ بعد این چهارمی این است ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا﴾ ما را که خب داری عذاب می‌کنی کار بد کردیم ولی يك عده ما را گمراه کردند ﴿رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ﴾ آنها را دو برابر عذاب بکن که مقداری از نظر روانی ما راحت بشویم.

بحث مبسوطش در سوره مبارکه اعراف گذشت لذا اینجا جواب نمی‌دهد در سوره مبارکه «اعراف» این گفتگو که به میان آمده خدای سبحان به آنها می‌فرماید شما هم عذابتان دو برابر است؛ عذاب آنها را دو برابر است دارید می‌بینید عذاب شما هم دو برابر است، عذاب آنها دو برابر است به خاطر همان که شما گفتید آنها هم خودشان گمراه شدند هم شما را گمراه کردند عذاب ضلالت را دارند و عذاب اضلال را بله، آنها دو کار کردند دو عذاب دارند الآن هم دو برابر دارند می‌چشند اما شما هم دو معصیت کردید یکی اینکه خود گناه را مرتکب شدید یکی اینکه رهبران الهی‌تان را خانه‌نشین کردید دیگران را به رهبری گرفتید شما يك کار نکردید شما اگر جلوی سقیفه را باز نگذاشته بودید که اهل بیت خانه‌نشین نمی‌شدند بنابراین شما دو گناه کردید یکی اینکه خود معصیت را مرتکب شدید یکی اینکه رهبران الهی‌تان را خانه‌نشین کردید لذا در سوره مبارکه «اعراف» به آنها پاسخ می‌دهد آیات ۳۸ و ۳۹ سوره «اعراف» آنها گفتند: ﴿رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ﴾ خدا به همین جهنمیان فرمود: ﴿لِكُلِّ ضِعْفٍ﴾ شما هم دو عذاب دارید ﴿وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ شما حساب نمی‌کنید این مراقبت و محاسبه همین است شما چرا حساب نمی‌کنید ﴿وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ آنها می‌گویند ما هم دو گناه کردیم شما هم دو گناه کردید ما معصیت کردیم (يك) شما را به این معصیت دعوت کردیم (دو) شما هم دو معصیت کردید یکی اینکه خود کار خلاف را انجام دادید (يك) یکی اینکه رهبران الهی را خانه‌نشین کردید (دو) بنابراین شما هم دو کار کردید ما هم دو کار «أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا».

«و الحمد لله رب العالمين»